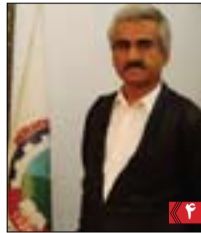




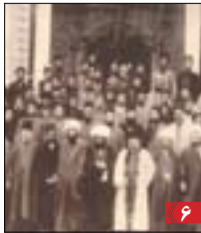
پیام دفتر
سیاسی
حزب ...



گفتگوی
مصطفی
هجری ...



افزایش
جمعیت،
حربه‌ی ...



اسلامگرایان
بعد از
مشروطه ...



کنگره‌ی
چهارم
اتحادیه ...

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

پیام تبریک مصطفی هجری به مناسبت آغاز سال نو میلادی به هم‌میهنان مسیحی

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، آغاز سال نو میلادی را به هم‌میهنان مسیحی تبریک گفت.
متن کامل این پیام تبریک به شرح ذیل است:
به مناسبت آغاز سال نو میلادی، مراتب تبریک خود را به تمام مسیحیان جهان و بخصوص خواهران و برادران مسیحی در کردستان ایران اعلام می‌دارم. امیدوارم سال جدید، سالی توأم با شادی و نشاط برای همگان باشد.
حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل - مصطفی هجری

www.kurdistanmedia.com

شماره ۶۲۰ یکشنبه، ۱۵ دی ۱۳۹۲، ۵ ژانویه ۲۰۱۴، ۵۰۰ تومان

افشای یکی دیگر از توطئه‌های رژیم در بحرین



سلفن

ناهد حسین

۷۲۶ مورد اعدام در یک سال

سال میلادی، نو شد. زندگی انسان سرشار از لحظات خوب و بد است و همین لحظات هستند که بر آینده و سرنوشت انسان‌ها تأثیرگذارند و سالی از تاریخ بشریت را رقم می‌زند که می‌تواند موجب افتخار و یا نفرت شود.

درست است که نو شدن سال در کشور ایران بر اساس تقویم میلادی نیست و سال خورشیدی با روزشمار طبیعت و از راه رسیدن بهار، نو شدن سال را به دنبال دارد، اما بسیاری از آمارها و رویدادهای منطقی‌های جهانی با تاریخ میلادی تحلیل می‌شوند. به همین مناسبت بجاست تا نگاهی گذرا به پرونده‌ی جنایت‌های جمهوری اسلامی در سال میلادی گذشته، داشته باشیم.

با توجه به اینکه، جرم به هرگونه اقدامی اطلاق می‌شود که در راستای پایمال نمودن حقوق و قوانین جاری باشد، اما قانون، جرم و جنایت در هر کشوری در برگیرنده‌ی تعاریفی متفاوت است.

بعنوان مثال، فعالیت سیاسی و یا روی گرداندن از دین (ارتداد)، در بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شود و به عنوان آزادی فردی محترم شمرده می‌شود، اما در کشورهایی مانند ایران، سزای مرگ به دنبال دارد. زیرا قوانین جمهوری اسلامی، این حق را از مردم سلب نموده‌اند که فعالیت سیاسی داشته باشند و یا در مورد عقاید خود تصمیم گیرنده باشند.

یکی از آمارهایی که هر سال از سوی سازمان‌های مرتبط منطقه‌ای و جهانی ارائه می‌شود و میزان شفافیت و مورد اعتماد بودنش می‌تواند کشوری را به جنایت علیه شهروندان خویش متهم کند، آمار اعدام شهروندان آن کشور با جرم‌های مختلف و رده‌بندی کشورها در این زمینه است.

آژانس خبررسانی کردپا، طی آماری، میزان اجرای احکام اعدام در کشور ایران را منتشر نموده است. در این آمارها آمده است که در سال ۲۰۱۳ میلادی در ایران، ۷۲۶ نفر با جرم‌های مختلف سیاسی و اجتماعی اعدام شده‌اند. راستی و درستی این اتهامات به خودی خود، جای شک و ابهام دارد و در اکثر موارد، در جهت فریب افکار عمومی، زندانیان سیاسی را تحت عنوان دشمنی با خدا و یا جرم‌های اجتماعی اعدام نموده‌اند، اما هدف اصلی زمامداران ایران از کشتار هموطنان ایرانی، زهرچشم گرفتن و ایجاد فضای ارباب و وحشت است تا از هرگونه فعالیت سیاسی و اجتماعی ممانعت به عمل آورند. کشتن ۷۲۶ انسان در یک سال، به معنی ۷۲۶ فقره جنایت علیه بشریت است و این نیز همچون لکه‌ی سیاه و ننگی بر پیشانی زمامداران ایران خواهد ماند.

دسامبر اعلام کردند یک شناسا ساخت ایران و سوریه را توقیف کرده‌اند که راهی بحرین بود و مواد منفجره‌ی قاچاق حمل می‌کرد.
از سال ۲۰۱۱ به بعد و با آغاز اعتراضات شیعیان در بحرین، مداخلات رژیم ایران در امور داخلی این کشور باعث تیره شدن روابط دو کشور گردیده است.

افزافه کرد که ۵ مظنون نیز در این رابطه دستگیر شده‌اند. عوفی گفته است: "این افراد اقرار کرده‌اند که به گروهی پیوستند تا دست به حملات تروریستی بزنند و راهی ایران شدند تا در اردوگاه‌های سپاه پاسداران آموزش نظامی ببینند و بعد از آن مبالغی پول دریافت کردند."
مقام‌های بحرین روز دوشنبه ۳۰

اعلام کرد که "احمد محفوظ موسوی بحرینی" یک‌سری انفجارهای تروریستی را طراحی کرده که هدف آن مؤسسات و مناطق حیاتی پادشاهی بحرین بوده است. به گفته‌ی دادستان کل، احمد محفوظ در حال حاضر در ایران به سر می‌برد.
به گزارش خبرگزاری فرانسه، به نقل از خبرگزاری دولتی "بی‌ان‌ای" بحرین، عوفی

بحرین سپاه پاسداران ایران را به آموزش عملیات انفجاری به شبه‌نظامیان مخالف خود متهم کرد. مقامات منامه، هدف رژیم ایران از این کار را انجام حملاتی در بحرین می‌دانند.
اسامه عوفی، دادستان کل بحرین، روز جمعه ۳ ژانویه برابر با ۱۳ دی با تکیه بر گزارش سرویس اطلاعاتی این کشور

شورای انقلابیون سوریه کنفرانس ژنو ۲ را تحریم کرد

سوریه "است بارها تکرار کرده است که تا زمانی که فشار اسد از حکومت کناره‌گیری نکند، هرگونه شرکت در کنفرانس به منظور صلح بی‌معنی است.
زمان کنفرانس ژنو ۲، بعد از مدت‌ها گمانه‌زنی و بحث برای تاریخ ۲۲ ژانویه معین شد. با این حال مکان آن که قرار بود ژنو باشد، تغییر کرده و به شهر کوچک مونترو در نزدیکی ژنو منتقل شد.
"ارتش آزاد سوریه" نیز که مهم‌ترین نیروی نظامی اپوزیسیون است بیشتر در ۲۶ نوامبر اعلام کرد که در ژنو ۲ شرکت نخواهد کرد و تن به آتش بس موقت نیز نخواهد داد. گروه‌های تندرو و نزدیک به القاعده نیز با قاطعیت اعلام کردند که در این کنفرانس حضور نخواهند یافت.

در حالی که کمتر از ۲۰ روز به برگزاری کنفرانس "ژنو ۲" باقی مانده، یک گروه دیگر اپوزیسیون سوریه نیز اعلام کرد که در این کنفرانس شرکت نخواهد کرد. "شورای ملی انقلابیون سوریه" که یکی از گروه‌های اصلی "اتلاف ملی سوریه" است، اعلام کرد که در کنفرانس "ژنو ۲" شرکت نخواهد کرد. سمرین نشر، یکی از اعضای اصلی این گروه مخالف دولت بشار اسد، شامگاه جمعه (۳ ژانویه) در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرانسه این خبر را اعلام کرد.
این چهره‌ی مخالف دولت اسد همچنین اعلام کرد که احتمالاً "اتلاف ملی سوریه" نیز به این نتیجه خواهد رسید که در کنفرانس ژنو شرکت نکند.
این گروه مخالف حکومت سوریه که یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های "اتلاف ملی

حزب‌الله، موشک‌های دوربرد سوریه را به لبنان منتقل می‌کند

در سوریه در نزدیکی مرز لبنان شبکه‌ای از پایگاه‌ها را بر پا کرده‌اند تا موشک‌ها را در آنها انبار کرده و به "عمق استراتژیک" خود وسعت بخشند.
روزنامه‌های آمریکایی "نیویورک تایمز" و "وال‌استریت ژورنال" نوشته‌اند، اعضای گروه حزب‌الله لبنان همچنین سرگرم قاچاق قطعات سیستم دفاعی ضد موشکی تولیدشده در روسیه به خاک لبنان هستند.
اسرائیل سال گذشته کوشید، با انجام رشته حملات هوایی در سوریه سلاح‌هایی را که به حزب‌الله اختصاص یافته بود، منهدم سازد. این دو روزنامه می‌نویسند، به همین خاطر هم هست که حزب‌الله تصمیم به انتقال این سلاح‌ها به خارج از خاک سوریه گرفته است.

رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند، گروه شبه‌نظامی حزب‌الله لبنان از پایگاه‌های خود در خاک سوریه، موشک‌های دوربرد به لبنان انتقال می‌دهد.
این رسانه‌ها روز جمعه ۳ ژانویه با اتکا به اظهارات رونن برگمن، تحلیلگر امنیتی اسرائیل اعلام کردند، از جمله این موشک‌ها می‌توان به "اسکاد دی" اشاره کرد که می‌توان با آن اسرائیل را هدف قرار داد.
اظهارات برگمن در روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز" منتشر شده است. موشک "اسکاد دی" ۷۰۰ کیلومتر برد دارد. این موشک‌ها به قطعات کوچک‌تر اوراق شده و از خاک سوریه قاچاق می‌شود.
"نیویورک تایمز" به نقل از برگمن که روابط تنگاتنگی با نیروهای اطلاعاتی اسرائیل دارد می‌نویسد، شبه‌نظامیان حزب‌الله

پیام دفتر سیاسی حزب دمکرات به کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران



امیدواری نسبت به برگزاری کنگره‌ی موفقیت آمیز و پرمحتوا برای تشکلستان، به تمامی اعضای اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران، به ویژه شرکت‌کنندگان در کنگره‌ی چهارم شادباش می‌گوییم. پیروزباد آزادی، عدالت و زندگی سعادت‌مندان‌هی انسان‌ها، به ویژه کرد

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۴ دی‌ماه ۱۳۹۲
۲۵ دسامبر ۲۰۱۳

همه‌جانبه به تحلیل واقعیت‌ها پردازد و برای آینده روشن‌تر و کار و زحمت و فعالیت بیشتر و پرمحتواتر از گذشته برنامه‌ریزی نماید.

حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یک سازمان سیاسی فعال در عرصه‌ی مبارزه برای رهایی ملی و نیل به آینده و جامعه‌ای دمکراتیک، ضمن شادباش به مناسبت برگزاری کنگره‌تان، در راه مبارزات و فعالیت‌هایتان برای تعریف مبارزات ملی دانشجویان کرد و دمکراتیزه کردن جامعه و گسترش و تعمیم مبارزه‌ی ملی - دمکراتیک حامی و پشتیبان شما خواهد بود و همانگونه که در صفوف این حزب، فعالان دانشجویی و دانش‌آموختگان متعدد مشارکت دارند، به از خود گذشتگی و شجاعت فرزندان آگاه و رشید کرد در راه آزادی ملتشان و مقابله با یورش گفتمان اشغالگر و ستمکار نیز مباحثات می‌نمایند.

در پایان، یک‌بار دیگر ضمن ابراز

سراسر منطقه به تبلیغ تاریکی و سیاهی اندیشه‌ی ارتجاعی‌اش پرداخته و در جامعه‌ی ایران نیز ضمن انکار موجودیت و هویت ملیت‌های تحت ستم، با توطئه‌ها و برنامه‌های فریبکارانه گوناگون می‌خواهد مردم ایران و ملیت‌های تحت ستم را نیز فریفته و افکار عمومی تمامی مردم ایران به ویژه مردم کردستان را به بیراهه بکشاند، مسئولیت پیشاهنگان سنگر مبارزه و دانش سنگین تر شده و ضروری است که جنبش دانشجویی ملیت‌های تحت ستم، به ویژه جنبش دانشجویی کرد با تعریفی ملی و خوانش جدیدی نسبت به وضعیت تحمیل شده و با برنامه‌ای واقعی و امروزی برای رویارویی با حاکمیت فریبکار به میدان آید و در این میان نیز وظیفه‌ی اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران سنگین‌تر و پیچیده‌تر از همیشه به نظر می‌رسد و ضروری است که اتحادیه‌ی دانشجویان در کنگره‌ی خویش با نگاهی

ایران، اینک سازمان و چتری برای گردهم آوردن و پیه هم بیوستن احیاد جامعه‌ی علمی و آموزشی در کردستان ایران است که چندین سال پیش از تأسیس آن، تاکنون در میدان سخت و پرافت و خیز مبارزات دانشجویی در ایران و کردستان توانسته است موجودیت و معنای خویش را تثبیت نماید و پس از طی مرحله‌ی تأسیس و تعریف جایگاهش، مرحله‌ی تثبیت را نیز طی نموده و از این پس، ضروری است که با دید و نگرشی وسیع و فراخ‌نگر و متعهد، خود را برای پذیرفتن مسئولیت سنگین‌تر و رشد بیشتر و نهادینه‌سازی و تثبیت گفتمان خاص خویش در درون دانشکده‌ها و جامعه‌ی دانشجویی کردستان ایران آماده نماید.

کوشندگان صفوف مبارزات دانشجویی!
در این برهه‌ی حساس که دیکتاتوری و استبداد بر کشور سایه افکنده و در

اعضای محترم رهبری اتحادیه‌ی دانشجویان!

شرکت‌کنندگان گرامی کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان!

پیشاپیش برگزاری کنگره‌ی چهارم تشکلستان را تبریک و شادباش می‌گوییم، زیرا برگزاری کنگره در یک سازمان، گامی مهم و دمکراتیک در راستای پیشبرد و نوسازی یک گروه یا سازمان سیاسی، مدنی یا صنفی و نشان‌دهنده‌ی آن است که یک سازمان فعال و آماده در عرصه‌ی مبارزه، آنچنان فعال و کارا بوده که مرحله‌ای از تلاش‌ها و فعالیت‌هایش را طی نموده و درصدد آغاز دوران و مرحله‌ی جدیدی است تا با روحیه، توان و تجربه‌ی بیشتری در راه رشد و بلوغ سازمان و اعضای به اقدامات جدید دست زده و جهان دیگری را جستجو کند.

دوستان گرامی!
اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان

دیدار هیأت حزب دمکرات از کومله‌ی زحمتکشان کردستان



همچنان ادامه داده و تشدید نموده است. تلاش در جهت تداوم اقدامات گذشته‌ی دو حزب در جهت ایجاد تعامل و هم‌فکری احزاب کردستان ایران و دستیابی به مکانیسم‌ها و راهکارهای مطلوب در راستای تحقق این هدف با در نظر گرفتن وضعیت خاورمیانه و بخش‌های دیگر کردستان، از مباحث دیگر مورد گفتگو در این دیدار بودند.

انتخابات ریاست جمهوری گفت: رژیم ایران، زیر فشار غرب و تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی از سیاست‌های هسته‌ای خود عقب‌نشینی کرده و تاکنون نیز شرایط غرب را در این رابطه پذیرفته است و از این طریق، سازش در روابط خارجی را در دستور کار خود قرار داده است اما در مقابل، در داخل کشور، بازداشت و زندانی کردن آزادیخواهان، تبعیض و اعدام زندانیان را

در دیدار دو هیأت حزب دمکرات کردستان ایران و کومله‌ی زحمتکشان کردستان، مسائل مربوط به وضعیت کنونی منطقه و به‌ویژه کردستان ایران مورد بررسی قرار گرفتند.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز دوشنبه نهم دیماه، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "مصطفی هجری" دبیرکل حزب، از مقر کومله‌ی زحمتکشان کردستان دیدار کرده و از سوی هیأتی از این حزب به سرپرستی "عمر ایلخانی‌زاده" مورد استقبال قرار گرفت.

در این دیدار، مسائل مربوط به کردستان، ایران، منطقه و به‌ویژه کشورهای که بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان در آنها واقع شده‌اند، مورد ارزیابی قرار گرفته و طرفین دیدگاه‌های خود را در این باره بیان کردند.

مصطفی هجری، در این دیدار ضمن اشاره به سیاست‌های رژیم ایران پس از

بیانیه‌ی دفتر نمایندگی حزب دمکرات در خارج از کشور به مناسبت درگذشت رضا مرزبان



همه‌ی آزادیخواهان ایران تسلیت گفته و خود را در اندوه درگذشت این مبارز راه آزادی سهیم می‌دانند. دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور
پاریس
۱۳۹۲/۱۰/۹
۲۰۱۳/۱۲/۳۰

حیات گفت و دوستان و دوستدارانش را در اندوهی جانگداز فرو برد. فقدان این شخصیت برجسته و متعهد مطبوعاتی و آزادیخواه نستوه ایران که از حامیان و پشتیبانان صادق جنبش ملی - دمکراتیک ملت کرد و نیز از دوستان صمیمی رهبران حزب دمکرات کردستان ایران، بویژه شهیدان دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی بود، مایه‌ی پستی تأثر و تأسف است. حزب دمکرات کردستان ایران درگذشت این شخصیت سرشناس کشورمان را به خانواده، دوستان، جامعه‌ی مطبوعاتی و

دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور، با صدور بیانیه‌ی درگذشت رضا مرزبان، روزنامه‌نگار آزادیخواه ایرانی را تسلیت گفت. متن کامل این بیانیه، به شرح ذیل است:

در سوگ درگذشت رضا مرزبان روزنامه‌نگار متعهد و آزادیخواه ایران روز شنبه ۷ دیماه ۱۳۹۲ خورشیدی برابر با ۲۸ دسامبر ۲۰۱۳، روزنامه‌نگار توانا و آزادیخواه سرشناس کشورمان آقای رضا مرزبان در سن ۸۵ سالگی بدرود

برگزاری مراسم ویژه‌ی شب یلدا در مرکز ۱ کردستان



و زندگینامه‌ی دکتر قاسملو توسط "علی کسنزانی"، دکلمه‌ی شعری توسط "ثنا امیری" دو بخش آغازین مراسم بودند. اجرای چند آواز فلکلور کردی توسط "رامیار مرادی"، قرائت دو قطعه شعر از سوی "مرتضی مرادی" و "ناصر خاکی"، اجرای چندین ترانه‌ی دیگر توسط "دانیال شاه‌مرادی، زانکو خاکی و اوین رمایی" از بخش‌های دیگر مراسم بودند و اجرای یک نمایش بخش پایانی مراسم را تشکیل داده بود.

مراسم شب یلدا، طولانی‌ترین شب سال و هشتادوسومین سالروز ولادت دکتر قاسملو در مرکز ۱ کردستان برگزار شد. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز شنبه سیم‌ام آذرماه، مراسمی ویژه به مناسبت شب یلدا و ولادت دکتر قاسملو از سوی کمیسیون آموزش حزب دمکرات و با همکاری کمیته‌های زنان و جوانان دمکرات کردستان ایران در مرکز یک کردستان برگزار شد. قرائت مقاله‌ای در رابطه با شب یلدا

برگزاری مراسم روز پیشمرگ در مرکز ۳ کردستان

درویشی عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات و مسئول مرکز ۳ کردستان به پاس زحمات "کریم قلاتی" پیشمرگ با سابقه‌ی این مرکز، از ایشان تقدیر نمود.

قرائت پیام مشترک جوانان و زنان مرکز ۳ کردستان به مناسبت روز پیشمرگ، توسط گوهر شیخانی و اهدای جوایز به نفرات برتر جشنواره‌ی پیشمرگ، بخش‌های دیگر این مراسم بودند.

در این مراسم، پیام تبریک مشترک کمیته‌های تشکیلات علنی حزب دمکرات در اربیل، سوران و جزئیکیان به مناسبت روز پیشمرگ قرائت گردید. در خلال برگزاری این مراسم، چندین سرود حماسی توسط گروه هنری مرکز ۳ کردستان اجرا شده و چند قطعه شعر نیز قرائت شدند.

در مرکز ۳ کردستان طی مراسمی ویژه که در سالن اجتماعات این مرکز برگزار شد، روز پیشمرگ کردستان گرامی داشته شد.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز پنجشنبه بیست‌وهشتم آذرماه، مراسم ویژه‌ی گرامی‌داشت روز پیشمرگ با حضور کادر و پیشمرگان مرکز ۳ کردستان برگزار گردید.

مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام شهدای راه آزادی کردستان آغاز شد.

سپس پیام مرکز ۳ کردستان توسط رحیم منگری، مسئول تیپ این مرکز قرائت شد.

در بخش دیگری از مراسم، صدیق



دیدار نماینده‌ی حزب دمکرات با مسئول وزارت خارجه‌ی فنلاند در امور خاورمیانه



"یان‌نهیسانن"، مسئول امور خاورمیانه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور دیدار کرد. وضعیت حقوق بشر در کردستان ایران و بخصوص پس از روی کار آمدن حسن روحانی و همین‌طور موضع حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با توافقنامه‌ی ژنو، عناوین مورد بحث در این دیدار بودند.

نماینده‌ی حزب دمکرات در محل وزارت خارجه‌ی فنلاند، با مسئول امور خاورمیانه‌ی این وزارتخانه دیدار و گفتگو کرد. بر اساس گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز چهارشنبه بیست‌وهفتم آذرماه، "شهنه رزایی"، نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور فنلاند با

بازداشت یک شهروند کرد توسط نیروهای رژیم در قروه



یک شهروند کرد اهل شهر قروه از توابع استان کردستان، به دلایل نامعلومی توسط نیروهای رژیم بازداشت شد. به گزارش "کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی"، روز سه‌شنبه دهم دیماه، یک شهروند کرد اهل قروه به نام "عرفان محمدی" از سوی نیروهای انتظامی رژیم ایران بازداشت شد. گفته می‌شود، نیروهای انتظامی رژیم بدون اطلاع قبلی و بدون مجوز، به منزل شخصی این شهروند کرد رفته و اقدام به بازداشت وی کرده‌اند. تا زمان انتشار این خبر، هیچ اطلاعی از دلایل بازداشت این شهروند کرد در دست نیست.

با استناد به آمار وبسایت کردستان میدیا، از ابتدای دیماه سال جاری تاکنون ۱۱ شهروند کرد توسط نیروهای رژیم اسلامی ایران بازداشت شده‌اند.

بیکاری و بی‌امکاناتی در شهرستان بدره موج می‌زند

همچنان در حد یک اسم باقی مانده و حتی فرماندار نیز برای این شهرستان تعیین نشده است. بیکاری و عدم برخورداری از حداقل امکانات اولیه در این شهرستان باعث افزایش خودکشی شهروندان و مهاجرت به دیگر شهرها شده است. تاکنون از طرح‌های اشتغال‌زایی و احداث پروژه‌های عمرانی و صنعتی در این شهرستان خبری نیست. علیرغم وعده‌های پی در پی مسئولین رژیم ایران، مشکلات ساکنین بدره همچنان به قوت خود باقی مانده‌اند. شهرستان بدره، یکی از ۱۰ شهرستان استان ایلام می‌باشد و با مساحت ۶۲۵ کیلومتر مربع دارای طبیعتی کوهستانی و جنگلی است.

مشکلات شهر بدره پس از ارتقای این شهر به شهرستان همچنان به قوت خود باقی هستند. روز یکشنبه نهم تیرماه ۱۳۹۲، شهر بدره پس از پیگیری‌های نماینده سابق مردم دهگلان، دره‌شهر و آبدانان در مجلس در جلسه هیأت دولت رژیم ایران رسماً در تقسیمات کشوری از شهر به شهرستان ارتقا یافت. ساکنین این شهرستان ۲۰ هزار نفری که پس از ارتقا از شهر به شهرستان، امید به بهبود وضعیت بدره داشتند، هم‌اکنون پی برده‌اند که مشکلات اصلی این شهرستان نه تنها کاهش نیافته بلکه روند صعودی به خود گرفته است. شهرستان شدن بدره تنها در تقسیمات جدید کشوری لحاظ شده و در عمل

بخاری نفتی، کودک سردستی را طعمه‌ی حریق کرد



کلاس درس مدرسه‌ی ابتدایی "تابان" در روستای "کهریز شیخان" از توابع شهرستان مهاباد آتش گرفت اما به این خاطر که دانش‌آموزان در کلاس حضور نداشتند، خسارت جانی در پی نداشت. سال گذشته نیز طی حادثه‌ای مشابه در روستای "شین‌آباد" پیرانشهر، دو دانش‌آموز جان باخته و ۳۶ تن دیگر دچار سوختگی‌های عمیق شدند. رعایت نکردن استانداردهای رایج در تولید بخاری‌های نفتی داخلی و بی‌میلانی مسئولین ذیربط رژیم در ارائه خدمات لازم به مناطق کردنشین، از عوامل اصلی وقوع چنین حوادثی است.

آتش ناشی از نشست سوخت بخاری نفتی، جان کودکی را در روستایی از توابع شهرستان سردشت گرفت. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، در روستای "گرویس" شهرستان سردشت، یک بخاری نفتی در منزل مسکونی شهروندی به نام "آزاد محمدپور" بر اثر نشست سوخت آتش گرفته و در نتیجه‌ی این حریق، فرزند ۹ ساله‌ی وی به نام "هیمن" بر اثر سوختگی شدید، جان سپرد. این حادثه روز پنج‌شنبه پنجم دیماه، در حالی رخ داد که والدین این کودک در منزل حضور نداشته‌اند. در مدت اخیر نیز بخاری نفتی

بازداشت پنج شهروند کرد توسط نیروهای رژیم در سروآباد

علی، چهار نفر از بازداشت‌شدگان هستند که هویت آنان برای وبسایت کردستان میدیا مشخص گردیده است. به گفته‌ی یکی از ساکنین این روستا، هویت نفر پنجم دقیقاً مشخص نمی‌باشد، اما گفته می‌شود برادر "عادل محمدی" فرزند علی است. هم‌اکنون این شهروندان در بازداشت به سر می‌برند و با وجود پیگیری خانواده‌هایشان، از سرنوشت و مکان بازداشت هیچ‌کدام از آنها اطلاعی در دست نیست. علت بازداشت این شهروندان، تاکنون توسط نیروهای رژیم اعلام نشده است.

پنج تن از اهالی روستای "درکی" از توابع سروآباد، توسط نیروهای رژیم ایران بازداشت شدند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، هشتم دیماه، پنج تن از ساکنین روستای "درکی" از توابع بخش "اورامان تخت" از توابع شهرستان سروآباد، در راه رفتن به کوهستان "دریند"، توسط نیروهای رژیم اسلامی بازداشت شدند و تاکنون از سرنوشت این شهروندان هیچ اطلاعی در دست است. صباح محمودی فرزند سبحان، احسن حسینی فرزند حسن، قطب‌الدین حسینی فرزند حسن و عادل محمدی فرزند



را به بهانه‌های واهی و پرونده‌سازی‌های جعلی به کام مرگ می‌کشاند. نسل‌کشی و مرگ تدریجی ملیت‌های ساکن ایران نه تنها با استفاده از ابزارهای حکومتی در زمینه‌ی زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و عقب‌ماندگی سیاسی و اقتصادی آنان سازماندهی و صورت گرفته است، بلکه حذف فیزیکی نخبگان آنان نیز تحت برنامه‌ریزی‌های حساب‌شده در دستورکار دولت مرکزی ایران از مدت‌ها پیش قرار گرفته است. 'کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال' احکام غیرعادلانه برای فرزندان زندانی شده‌ی بلوچ را که پس از شکنجه‌های جسمی و روحی طاقت‌فرسا در بیدارگاه‌های غیرعلنی صادر گشته است را همچون موارد پیشین، به قول خود جمهوری اسلامی "تلافی جویانه" و در واقع "سازمان‌یافته، برنامه‌ریزی شده و مغرضانه" دانسته و بر همین اساس از تمامی هم‌میهنان آزاده و مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر، تقاضای اعمال فشار به هر طریق ممکن بر مقامات قضایی جمهوری اسلامی در راستای لغو این احکام و آزادی بی‌قید و شرط این بی‌گناهان را دارد.

دبیرخانه‌ی کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال

اطلاعیه کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال در مورد ادامه‌ی موج اعدام‌ها در بلوچستان

کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال در رابطه با موج اعدام‌ها در بلوچستان اطلاعیه‌ی صادر نمود. متن کامل این اطلاعیه که به وبسایت کردستان میدیا رسیده است، عیناً در پی می‌آید:

هم‌میهنان آزاده!

مدافعین حقوق بشر و آزادی! سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی حقوق بشر!

مولوی فتحی محمد نقشبندی، امام جمعه‌ی اهل سنت راسک به همراه فرزند و تعدادی دیگر از بستگان، پس از ترور مولوی مصطفی جنگی‌زهی فرماندهی بسیج شهر راسک و از روحانیون نزدیک به دولت در دیماه سال ۱۳۹۰، به اتهام قتل وی بازداشت و تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار گرفتند. دستگیری و بازداشت مولوی نقشبندی تظاهرات مردمی و درگیری نیروهای نظامی و امنیتی با آنان و کشته شدن یک جوان بلوچ بنام جان‌محمد دهقانی و زخمی شدن چندین نفر دیگر را در شهر راسک در پی داشت. بر خلاف اتهامات وارده از سوی مقامات نظامی و امنیتی منطقه مبنی بر دست داشتن مولوی نقشبندی و سایر بازداشت‌شدگان در این ترور، خانواده‌ی مولوی جنگی‌زهی نامه‌ی محضری مبنی بر بی‌گناه دانستن مولوی نقشبندی و همراهانش در این ترور و عدم شکایت از آنان، رسماً تقدیم مقامات اجرایی و قضایی استان نمودند.

اما ماشین آدم‌کشی جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب و ترور فرزندان این مرز و بوم پس از روی کار آمدن آقای حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور ایران، سرعت بیشتری در میان فرزندان ملیت‌های تحت ستم به خود گرفته است. این ماشین هر از چند گاهی جوانان بلوچ، عرب، تورک، کورد، تورکمن و ...

سرتاجام پس از گذشت دو سال، دادگاه و دادستان جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان به ریاست قاضی ماه‌گلی در زاهدان، برای مولوی فتحی محمد نقشبندی امام جمعه‌ی اهل سنت شهر راسک بلوچستان و زندانیان همراه او، احکام اعدام و حبس‌های طولی‌المدت توام با تبعید به مناطق دور دست را صادر کرده است.

دادستان و قاضی دادگاه انقلاب استان سیستان و بلوچستان که علناً و رسماً اعدام شانزده جوان بلوچ بی‌گناه در بیدادگاه زاهدان را در تاریخ چهارم مهرماه ۱۳۹۲، اعدامی "تلافی جویانه" اعلام می‌نماید، دیگر جای هیچ‌گونه شک و شبه‌ای مبنی بر محاکمه‌ی عادلانه‌ی فرزندان دربند کشیده شده‌ی بلوچ که تحت شکنجه‌های جسمی و روانی در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی مجبور به اعترافات ناکرده‌ی تلویزیونی گشته‌اند باقی نمی‌گذارد.

بر اساس احکام صادره از سوی این بیدادگاه، مولوی فتحی محمد نقشبندی به ۱۵ سال زندان و تبعید به خلخال، عبدالغفار نقشبندی به ۱۳ سال حبس و تبعید به مکانی نامعلوم و همچنین

برگزاری مراسم اختتامیه‌ی کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران

پیشمرگان و خانواده‌های آنان در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات برگزار گردید. این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و ادای احترام به شهدای راه آزادی کردستان آغاز گردید.

سپس پیام اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران به مناسبت پایان موفقیت‌آمیز کنگره‌ی "اتحاد گفتنمانی جنبش دانشجویی کرد" توسط "عادل مرادی" از اعضای هیأت اجرایی این اتحادیه قرائت گردید.

در ادامه‌ی مراسم، به ارگان‌های حزبی که در برگزاری کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران مساعدت نموده بودند، لوح تقدیر و سپاس اهدا گردید.

در خلال این مراسم، چندین سرود و ترانه‌ی اصیل کردی نیز از سوی گروه موزیک حزب دمکرات اجرا شدند.



با شعار "اتحاد گفتنمانی جنبش دانشجویی کرد" پس از ۲ روز کار مداوم با موفقیت به پایان رسیده بود، برگزار گردید. این مراسم، شامگاه روز یکشنبه هشتم دیماه ۱۳۹۲، با حضور اعضای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران و هیأت اجرایی این اتحادیه و نیز شماری از اعضا، کادرها،

مراسم اختتامیه‌ی کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران در مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات برگزار گردید.

به گزارش وبسایت کردستان میدیا، مراسم اختتامیه‌ی کنگره‌ی چهارم اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران که

۱۰۵ مورد انفجار مین و نزدیک به ۱۰۰ کشته و زخمی در قصر شیرین



رژیم ایران انتشار یافته و به احتمال بسیار زیاد شمار قربانیان بیشتر از این نیز می‌باشد. شهرستان قصر شیرین از شهرستان‌های استان کرمانشاه است و با داشتن ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارای دو مرز رسمی پرویزخان و خسروی می‌باشد. این شهرستان در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۱۷ هزار نفر جمعیت داشته و سومین شهر بزرگ این استان است.

۸۴ مورد انفجار مین طی دو سال در قصر شیرین که تنها یکی از چندین شهرستان مرزی مناطق کردنشین می‌باشد در حال است که در سال گذشته، از سوی رژیم ایران جشن پاکسازی اراضی آلوده به مین استان کرمانشاه برگزار گردیده است.

از ابتدای سال ۱۳۹۲ تاکنون نیز ۲۱ مورد دیگر انفجار مین رخ داده است که طی این حوادث ۳ شهروند کرد جان خود را از دست داده و ۱۱ نفر نیز مجروح و ناقص‌العضو شده‌اند.

بر اساس این آمارها، از ابتدای سال ۱۳۹۰ تاکنون، ۱۰۵ مورد انفجار مین در مناطق مختلف شهرستان قصر شیرین روی داده که منجر به کشته شدن ۱۳ شهروند و همچنین مجروح شدن ۷۸ شهروند دیگر شده است. این آمارها از سوی نهادهای وابسته به

جشن پاکسازی اراضی آلوده به مین در استان کرمانشاه و انفجار مداوم مین‌های بجای‌مانده در شهرستان قصر شیرین، رفع مسئولیت و بی‌تفاوتی مسئولین رژیم را در مدت اخیر نشان می‌دهد.

به گزارش ایرنا و به نقل از سرپرست فرمانداری قصر شیرین، از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۱، بر اثر ۸۴ مورد انفجار ناشی از مین‌های کاشته شده در نواحی مختلف این شهرستان، ۱۰ شهروند کرد جان خود را از دست داده‌اند.

در این انفجارها، ۶۷ نفر مجروح شده و همچنین ۲۱ دستگاه خودرو نیز از بین رفته‌اند. آلوده بودن بسیاری از مناطق مرزی استان‌های ارومیه، کردستان، ایلام و کرمانشاه همواره باعث کشته و زخمی شدن شهروندان کرد ساکن این مناطق شده است.

گفتگوی مجله‌ی «والا پرس»

با مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران

(بخش سوم)



والا پرس: نظر اتحادیه‌ی میهنی کردستان از کجا نشأت می‌گرفت؟

هجری: در واقع، خودم هم نمی‌دانم. من آنجا صحبت کردم، گفتیم اگر در آن مدت مسئولیت حزبی داشته‌ام، مسئولیت اصلی نیز داشته‌ام، همیشه خوشحال می‌شوم اگر در جلسه‌ای، نشست، نوشته‌ای و یا در تصمیمی، چنین چیزی وجود دارد، به من بگوئید وگرنه آنچه که شما از آن صحبت می‌کنید، به دور از واقعیت است و هیچ اساسی ندارد، غیر از آنکه برخی افراد برای منفعت خویش یا به هر دلیل سیاسی‌ای، آن مسأله را با شما مطرح نموده‌اند و اصل و اساس ندارد. البته ممکن است که تبلیغات رفقایی که از ما جدا شدند در زمان برگزاری کنگره‌ی سیزدهم، این نظر و دیدگاه را نزد برخی از رفقای اتحادیه‌ی میهنی به وجود آورده باشد.

والا پرس: آقای هجری! آیا این بدان معناست که اتحادیه‌ی میهنی بر این باور بوده که پارت دمکرات کردستان در رسیدن شما به دبیر کلی حزب و دست نیافتن ملا عبدالله حسن‌زاده به این مقام نقش داشته است؟

هجری: می‌شود اینگونه برداشت کرد، من این را نیز درک کردم که اتحادیه‌ی میهنی می‌خواست نگرانی خود را از این موضوع که اکنون با رسیدن من به مقام دبیرکلی حزب، روابط ما با آن‌ها کم‌رنگ می‌شود و به همان اندازه، روابط ما با پارت دمکرات نزدیکتر و نیرومندتر خواهد شد، ابراز دارد.

والا پرس: تاکنون نیز؟

هجری: ممکن است اکنون نیز این نظر نادرست نزد برخی از رفقای اتحادیه‌ی میهنی وجود داشته باشد، اما می‌خواهم این را عرض کنم که هیچ گروه یا جریانی نمی‌تواند بر کنگره‌ی ما تأثیر بگذارد، زیرا اعضای کنگره‌ی ما به شیوه‌ای آزاد و دمکراتیک از میان بدنه‌ی حزب انتخاب می‌شوند و وارد کنگره می‌شوند و آن‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند.

والا پرس: اما از این نظر که ارتباط میان شهید دکتر قاسملو و «مام جلال» از نظر تاریخی به سال‌ها قبل باز می‌گردد و به ویژه که اتحادیه‌ی میهنی در سال ۱۹۸۲ از مبارزه‌ی مسلحانه‌ی شما در کردستان حمایت کرده است، اتحادیه‌ی میهنی ممکن است از این نظر گله‌مند باشد که می‌بایستی حزب دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی روابط نزدیک‌تری با هم داشته باشند؟

هجری: در آن زمان، اتحادیه‌ی میهنی کمک بسیار بزرگی به حزب کرد، به ویژه که این امر در تاریخ جنبش ملت کرد به شیوه‌ای مثبت بسیار قابل توجه است. ما به عنوان حزب دمکرات، آن را فراموش نکرده و آن موضع اتحادیه‌ی میهنی را ارج می‌نهمیم.

والا پرس: اکنون صحبت از برگزاری کنگره ملی می‌شود، رهبران اتحادیه‌ی

نمونه‌ای را برای شما بازگو کنم، برای مثال، جامعه‌ی کشورهای عرب هرگز اسرائیل را به جلسات و نشست‌های خود دعوت نکرده‌اند، پس چگونه است که تصمیم گرفته‌اید در کنگره‌ی ملی کرد، کشورهای ایران، ترکیه، سوریه و عراق حضور داشته باشند در حالی که هدف کنگره، نجات ملت کرد است و این کشورها و اتحاد ملت کرد است و نیز بتواند در صلح و آشتی زندگی کند، اگر مقرر باشد ملت کرد، دولت خود را تأسیس نماید و رهایی یابد؟

هجری: میان ما و جامعه‌ی عربی تفاوت وجود دارد، در جامعه‌ی عربی برخی کشورها تاکنون اسرائیل را به رسمیت نشناخته‌اند، بنابراین طبیعی است که وقتی نماینده‌ی آن کشور در مجامع و محافل منطقه‌ای و بین‌المللی حضور یابد، آنها شرکت نکنند، اما اکنون جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت مطرح است، هر چند ما آن را به عنوان یک حکومت دمکراتیک و حکومتی مردمی که بر اساس رأی آزادانه‌ی مردم تشکیل شده باشد، قبول نداریم. این نیز صحیح است که مسأله‌ی ترکیه، عراق و سوریه متفاوت است، اما من بر این باورم در این اوضاع و احوال که خواسته‌ها و مطالبات یا برنامه‌های کنگره‌ی ملی اعلام می‌شوند، بایستی نمایندگان کشورهایی که ملت کرد در آن‌ها از حقوق خود محروم هستند، حضور داشته باشند و نماینده‌ی جمهوری اسلامی شرکت داشته باشد. در آنجا اپوزیسیون کرد ایران نیز خواسته‌ها و مطالبات خود را مطرح نمایند و سخنرانی کنند؛ در این رابطه، من این امر را منفی نمی‌بینم، به ویژه که با توجه به وضعیت و واقعیتی که امروزه در آن قرار داریم، می‌بایستی این را نیز در نظر داشته باشیم که نه تنها ما به عنوان ملت کرد در کردستان ایران، بلکه در بخش‌های دیگر نیز تاکنون چه بخواهیم و چه نخواهیم، حکومت‌های مسلط بر کردستان بر ما تأثیرگذار بوده‌اند. همانگونه که دیدیم، زمانی که حکومت اقلیم کردستان تشکیل شد، در آغاز جمهوری اسلامی و ترکیه به دشمنی با آن پرداختند و با شیوه‌های مختلف مانع تراشی کردند، اما حکومت اقلیم کردستان خوشبختانه با شفاف نمودن مسائل توانست این دشمنی را تا حدودی کاهش دهد، این را نیز نمی‌گویم که آن‌ها با تشکیل حکومت اقلیم کردستان خوشبین و خوشحالتند، اما از دشمنی آشکار خود کاسته‌اند، لذا در این رابطه، من مشکلی نمی‌بینم که حتی نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران نیز در کنگره حضور داشته باشد.

والا پرس: اگر روال کنگره و دعوت ایران به شکلی پیش برود که از شما بخواهند در حاشیه‌ی کنگره و جلسات با هیأت جمهوری اسلامی گفتگو کنید، آماده‌اید؟

هجری: من به این‌گونه مذاکرات ناگهانی و بدون برنامه اعتقاد چندانی ندارم، زیرا اگر حکومت جمهوری اسلامی یا هر حکومت دیگری بخواهد با نیروی اپوزیسیون خویش گفتگو کند، نیازمند برخی زمینه‌سازیه‌هاست. والا پرس: آیا در حال حاضر زمینه‌ای برای مذاکره با جمهوری اسلامی می‌بینید؟

هجری: در حال حاضر هیچ‌گونه زمینه‌ای نمی‌بینم، زیرا دلیلی نمی‌بینم که جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده باشد که بر سر حقوق ملت کرد و سایر ملیت‌ها گفتگو نماید، جمهوری اسلامی تاکنون حتی حاضر نشده وفادارترین کسانی را که از بنیانگذاران جمهوری اسلامی

بوده‌اند، به رسمیت بشناسد، مهدی کروبی و میرحسین موسوی، رهبران جنبش سبز که خواستار هیچ حقوقی نشده‌اند، آنان به جمهوری اسلامی معتقد هستند، به قانون اساسی اعتقاد دارند، به ولایت فقیه اعتقاد دارند، تنها خواستار آن بودند که بتوانند در حکومت مشارکت نمایند، اما چنین اجازه‌ای به آنان داده نشد. هاشمی رفسنجانی را که از لحاظ سیاسی از خامنه‌ای تواناتر و بسیار به خمینی نزدیکتر بوده و از بنیانگذاران جمهوری اسلامی بوده است، در انتخابات ریاست جمهوری رد صلاحیت می‌کنند. در چنین شرایطی چگونه باید انتظار داشت که جمهوری اسلامی بخواهد در رابطه با حقوق ملت کرد، آزادی، دمکراسی و این قبیل مسائل با ما مذاکره نماید، مگر آنکه توطئه‌ی دیگری علیه ما به اجرا دربیاید. والا پرس: آیا در حال حاضر راهی برای مذاکره با جمهوری اسلامی می‌بینید؟

هجری: در حال حاضر هیچ آمیدی به قرار گرفتن جمهوری اسلامی در این مسیر نداریم.

والا پرس: اگر ایران از شما به عنوان دبیر کل حزب خواهد که با آن مذاکره نمایند، مایلید این مذاکره در کجا و با حضور چه کسانی برگزار شود، آمریکا، اروپا، حکومت اقلیم کردستان؟

هجری: تاکنون بدان نیندیشیده‌ام، زیرا بر این باور نبوده‌ام که ایران چنین تقاضایی رامطرح خواهد کرد.

والا پرس: از چهارده سال پیش تاکنون، این نخستین باری است که پنج دبیر کل حزب دمکرات و کومله (مهدتی، عزیزاده، ایلخان‌زاده، خالد عزیزی، مصطفی هجری) در مقر اصلی شما در شهر کوبه گرد هم آمده‌اید، آیا این سرآغاز گام مثبتی برای کردستان ایران و اپوزیسیون کرد ایران است. آیا احساس خطر شما را کرده‌ام آورده یا آنگونه که شما در ابتدا فرمودید، نوعی احساس مسئولیت انقلابی، اخلاقی و ملی است، بنابراین از این لحاظ کنگره‌ی ملی برای شما گامی نوین است، حداقل می‌توان گفت که برای نخستین بار در چهارده سال اخیر است که پنج دبیر کل دور یک میز می‌نشینند؟

هجری: به باور من، هردوی اینهاست، یعنی هم احساس خطر و هم احساس مسئولیت. مسئولیت از این لحاظ که ما با تهدیدات بسیاری در منطقه مواجه هستیم، حتی در عراق نیز یا وجود جمهوری اسلامی ایران نباید غافل شویم و تصور کنیم که هیچ تهدیدی متوجه ما نیست، این بخشی از قضیه است، به همین دلیل بایستی متحد شویم و برنامه و پروژه‌ی مشترکی در بسیاری از موارد داشته باشیم. مسأله‌ی دوم همانگونه که فرمودید، مسأله‌ی احساس مسئولیت است، مسئولیت از آن رو که اگر متحد نباشیم و نتوانیم بر سر موارد کلی که بسیاری از مسائل ملی را شامل می‌شود، برنامه‌ی مشترکی ارائه کنیم، در آینده و در تحولاتی که احتمالاً در ایران روی خواهد داد توانیم آن‌گونه که باید، در خدمت اهداف و آرمان‌های ملتمان باشیم و این پراکندگی و دیدگاه‌های متفاوت و معضلات و مشکلات، باز هم ما را به خود مشغول نماید و فرصت‌ها از دستمان برود، به همین دلیل هر دو جنبه را در آن دخیل می‌دانم.

والا پرس: آیا شما این گردهمایی پنج جانبه را امری مثبت و مایه‌ی خرسندی تلقی می‌کنید؟

هجری: بله، من بیشتر نیز کوشیده بودم که این کار را انجام دهیم، اما موفق نشدم، لیکن خوشبختانه این بار انجام گرفت. والا پرس: چه کسی مانع موفقیت شما

در این امر گردید؟

هجری: نمی‌خواهم بگویم چه کسی مانع بود، اما برای مشورت کردن درباره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران و اتخاذ موضعی مشترک، من تلاش کردم تا همگی در یک مکان گرد هم آییم، در هر جایی که آنها صلاح بدانند، با یکدیگر گفتگو کنیم، اما برخی طرف‌ها مخالف بودند. منظور این است که من مدت‌ها در این راه تلاش کرده‌ام، لیکن این بار خوشبختانه محقق گردید و از این بابت بسیار خرسندم.

والا پرس: این پنج رهبر تاکنون گذشته‌ی تلخی با یکدیگر داشته‌اید، اینطور نیست؟

هجری: بله بسیار زیاد.

والا پرس: آیا نمی‌توانستید هر ۵ طرف پیمان‌ی میان خود امضا کنید که در آن جنگ داخلی را تحریم کنید و تهدیدی علیه یکدیگر نباشید و آیا در آینده چنین تیتی ندارید؟

هجری: ما با حزب کومله‌ی کردستان ایران که آقای مهدتی آن را رهبری می‌کند، ائتلافی ایجاد نمودیم و موارد مشترکی را امضا و اعلام کرده‌ایم آنچه که باقی می‌ماند، این است که در رابطه با مسأله‌ی جنگ مسلحانه با یکدیگر و بسیاری از مسائل دیگر، مهم این نیست که چه چیزی را نوشته و امضا کنیم، بلکه مهم این است که تا چه حد بدان معتقدیم، زیرا در منطقه ائتلاف‌ها و توافقات بسیاری امضا، منتشر و اعلام شده‌اند، اما بعدها به هم خورده‌اند. همانگونه که در ابتدا عرض کردم، فکر می‌کنم که این تجربیات تلخ گذشته ما را به این باور رسانده است، زیرا هیچ یک از ما نه به عنوان حزب سیاسی و نه به عنوان مردم کردستان از آن سود نخواهیم برد، ما به این نتیجه رسیده‌ایم، به همین دلیل نمی‌خواهیم درگیر یک رویارویی مسلحانه با هیچ یک از نیروهای کردستانی شویم.

والا پرس: شما از توافق با کومله‌ی انقلابی زحمتکشان کاک عبدالله مهدتی سخن می‌گویید، اما بخشی از انتقاداتی که متوجه شماست، این است که این دو نیروی سیاسی خود را از دیگران جدا کرده‌اند، چرا این امکان فراهم نشد که تمامی نیروها در کنار یکدیگر باشند؟

هجری: زمینه‌ی آن فراهم نبود. مشکل از ما نبود، مشکل از دیگران بود. این نیروها با یکدیگر مشکل داشتند وگرنه ما هم‌اکنون نیز برای گسترش این ائتلاف تلاش می‌کنیم.

والا پرس: آیا مسأله‌ی این است که شما فقط حزب کومله‌ی کردستان ایران را به عنوان کومله به رسمیت می‌شناسید؟

هجری: مشکل در میان خود آنان است. ما با هر یک از این سازمان‌ها تحت همان عنوانی که هست، رابطه داریم و مشکلی با آنان نداریم و در رابطه با آنان کاملاً آسوده خاطر هستیم.

والا پرس: آیا با حزب کومله‌ی کردستان ایران نقطه‌ی مشترکی دارید؟

هجری: بله نقاط مشترکی داریم که در توافقتنامه آنها را امضا و اعلام نموده‌ایم. والا پرس: آیا در نظر دارید که در آینده آن را گسترش دهید؟

هجری: اگر مشکلات میان خود آنان حل شود، ما در تلاش هستیم تا آن را گسترش دهیم.

والا پرس: کمیته‌ی کردستانی حزب کمونیست کارگری ایران طی بیانیه‌ای اعلام نموده است که ما زیر بار این توطئه نخواهیم رفت و این اقدامی ناسیونالیستی برای سازش با رژیم ایران است. در این رابطه آیا سخنی با حزب کمونیست کارگری ایران دارید؟

هجری: جهان‌بینی حزب کمونیست

روزنامه

سوریه، اختلاف میان اسلامگرایان

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

سایت "سیاست خارجی"، مقاله‌ای به قلم "هانیا مرتدا" تحت عنوان "دشمنان اسلامگرای دشمنان اسلامگرایان" منتشر نموده است. این مقاله به‌طور مفصل به بحث پیرامون "جبهه‌ی اسلامی" پرداخته است که "شاید به زودی تبدیل به دوست جدید غیر منتظره‌ی غرب در سوریه" در مقابل "جبهه‌ی النصره" و "دولت اسلامی عراق و شام" گردد که هر دو از تندروهای وابسته به القاعده هستند.

مقاله با بحث از فردی به نام ابومهند آغاز می‌گردد. نامبرده در طی سال ۲۰۱۲ و بخشی از سال ۲۰۱۳ عضو ارتش آزاد سوریه بوده و هم‌اکنون از جنگیدن برای این ارتش دست کشیده، زیرا این ارتش که غرب حامی آن بود، اینک فاقد توان و قدرت گذشته بوده و میدان را بیشتر به سازمان‌های تندرو اسلامگرا واگذار نموده است. ابومهند از جانب اسلامگرایان تندرو به مرگ محکوم شده است. در گفتگوی اینترنتی ابومهند با یک جنگجوی جوان فرانسوی عضو دولت اسلامی عراق و شام، این جنگجوی افراطی وی را به انحراف از دین اسلام متهم می‌نماید و آنگونه که خود ابومهند می‌گوید: "وی من را متهم می‌کند که به طرز تلویحی سکولارم، زیرا من بجای اینکه به عنوان یک امارت اسلامی از کشورم سخن بگویم، بیشتر مانند یک مبین پرست صحبت کرده‌ام. من به وی گفتم که لازم نیست که او درباره‌ی دین خود چیزی به من بیاموزد".

نویسنده در این نامه می‌نویسد: "ابومهند همانند بسیاری از جنگجویان ناامید دیگر، اکنون بر روی یک جبهه‌ی اسلامی جدید حساب باز کرده است". نام این سازمان "جبهه‌ی اسلامی" است و وی خود را نه یک عنصر جهادی، بلکه یک اسلامگرای مبین پرست معرفی نموده و فرستاده‌ی آمریکا در ابتدای ماه گذشته خواستار دیدار و گفتگو با وی شده تا هم توجه آنان را به حمایت از فرایند صلح با بشار اسد جلب نماید و هم نسبت به نزدیکی به سازمان‌های اسلامگرای وابسته به القاعده به وی هشدار دهند. لیکن رهبر این جبهه بدون ذکر هیچ دلیلی، این دیدار را رد نموده است.

نگارنده با اشاره به نظرات اسد کانجو، فعال سیاسی که نسبت به دولت اسلامی عراق و شام بدبین است، اعتقاد دارد که این سازمان نهایتاً جبهه‌ی اسلامی و گروه‌های سکولار را به جنگ مستقیم با یکدیگر خواهد کشاند. وی نیز همانند بسیاری از سوری‌ها بدین نتیجه رسیده است که گروه‌های وابسته به القاعده همانند پوششی برای رژیم و در تقابل با انقلاب عمل می‌کنند.

نویسنده در نهایت این‌گونه اختلاف‌نظرها در میان اسلامگرایان افراطی و اسلامگرایان مبین پرست را گفتار اصلی در درون ابوزیسیون بشار اسد در داخل سوریه دانسته و معتقد است که جنگ به سمت و سوی خواهد رفت که نقش ارتش آزاد سوریه در آن کم‌رنگ‌تر شده و غربی‌ها به حمایت از اسلامگرایان میانه‌رو روی آورند.

منبع:

foreignpolicy.com

هنوز برگزار نشده است. از کجا معلوم که از منطقه‌ی کرمانشاه و ایلام کسانی را دعوت نخواهند کرد. این از یک سو، از سوی دیگر نیز می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا اصولاً با توجه به فضای سیاسی حاکم بر ایران، کسانی می‌توانند از ایران خارج شوند و آیا رژیم ایران به آنها اجازه خواهد داد که در کنگره‌ی ملی شرکت کنند؟ این به نوبه‌ی خود قابل بحث است.

شما پاسخی برای یارسان‌ها دارید؟ هجری: بله یارسان‌ها از کردهای اصیل هستند و مطالبات آنها متفاوت از مطالبات ملت کرد نیست. در حزب دمکرات کردستان ایران اعضای یارسان بسیاری داریم. حزب دمکرات در منطقه‌ی یارسان‌ها جای پای محکمی دارد، اما مطرح شدن برخی دیدگاه‌ها به باور من، نه به سود یارسان‌ها، بلکه به سود و مصلحت برخی از همین افراد است، کنگره‌ی ملی

در منطقه به شدت تضعیف شده است. والا پرس: آقای هجری! شخصیت‌های یارسان و یک حزب وابسته به مردم یارسان ابراز ناراضی‌ت نمی‌نموده که گویا کرسی‌های کردستان ایران در میان دو حزب یا در میان این پنج طرف تقسیم شده و به یارسان‌ها که کرد بوده و خویشتن را کرد می‌دانند، اعتنایی ننموده‌اند و می‌گویند که هیچ کس از کردهای ایلام، کرمانشاه و خراسان دعوت نشده‌اند. آیا

کارگری ایران کاملاً متفاوت از جهان بینی ماست. آنها در رابطه با ایران، منطقه، جهان، حقوق ملی و اندیشه و اعتقاداتمان به عنوان یک کرد کاملاً متفاوت از ما هستند. آنان هرگونه نزدیکی میان نیروهای کرد و هرگونه تحولی در این رابطه را کاملاً در چهارچوب افکار کمونیستی ارزیابی و تحلیل می‌کنند و تصور می‌کنند همه چیز زیر سر آمریکاست. خوشبختانه این نگرش‌ها و افکار آنان هم در ایران و هم

افزایش جمعیت، حربه‌ی جدید آپارتاید در ایران

سلام اسماعیل پور

جمعیت، یکی از پارامترهای اساسی در تکوین، بقا، پیشرفت و عقب‌ماندگی یک کشور است.

از میان جنبه‌های مختلف و ابعاد وجودی جمعیت که شکل‌دهنده‌ی نوع سیاست‌ها، منازعات و تنش‌های سیاسی و اجتماعی و موقعیت اقتصادی، تکنیک‌ها و استراتژی‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی کشورها می‌باشد، عامل ترکیب و بافت جمعیتی، بدون شک نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند.

این روزها که بحث لزوم افزایش جمعیت ایران تبدیل به یکی از مباحث عمده در سخنان سیاست‌گذاران و زمامداران جمهوری اسلامی شده، دلایل مختلفی برای این ضرورت در رسانه‌ها و تبلیغات آنان مطرح می‌شود. از جمله‌ی این دلایل می‌توان به پیروی جمعیت کنونی و خطرات ناشی از آن برای امنیت ملی، کاهش جمعیت

علناً خود را نمایان کرد، پخش ویدئوهای از فردی به نام حجت‌الاسلام مهدی دانشمند بود که در آنها ضمن اهانت‌های رکیک به پیروان اهل سنت، نرخ رشد جمعیت در مناطق سنی‌نشین ایران را وحشتناک و خطری برای تفوق مذهب شیعه خوانده و خواستار مقابله‌ی جدی با آن گردید.

بر اساس آمارهای رسمی، در دو دهه‌ی گذشته آهنگ باروری کلی یعنی تعداد فرزندان جایگزین والدین در ایران، از ۶/۰۸ فرزند در سال ۵۵ به ۱/۸ در سال ۸۵ و ۱/۶ در سال ۸۹ رسیده است.

بر اساس شاخص‌های علمی، چنانچه آهنگ باروری کلی کمتر از ۲/۱ باشد، کاهش تدریجی جمعیت را به دنبال خواهد داشت.

تا اینجا کار، آمارها دلیل‌پندانی برای هراس از تغییر ترکیب جمعیتی ایران در میان مقام‌های رژیم به دست نمی‌دهند. زمانی می‌توان به دلیل واقعی این هراس بی‌برد که این آمارها را با آمار رشد جمعیت در مناطق

وی این تفاوت را نتیجه‌ی تبعیت شیعیان از سیاست‌های دولت در زمینه‌ی کنترل مولید و تبلیغات علمای سنی و حمایت‌های کشورهای چون عربستان سعودی از سنی‌های ایران برای افزایش جمعیت عنوان می‌کند.

یکی از خوانندگان همین سایت علناً از افزایش جمعیت کردها در شهرهای آذربایجان غربی و تهدیدات سیاسی ناشی از آن برای رژیم انتقاد می‌کند. اما سخنان آیت‌الله مکارم شیرازی، از پرنفوذترین مراجع تقلید حکومتی روز پنجشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۹۲ در کنگره‌ی بین‌المللی امام سجاده در این زمینه بیش از بقیه حائز اهمیت است.

وی با ابراز نگرانی شدید از افزایش جمعیت اهل سنت در ایران گفت: "اکنون در اطراف مشهد می‌بینیم که اهل سنت در حال خرید زمین و خانه از شیعیان هستند تا نسبت جمعیتی خود را افزایش دهند".

وی می‌افزاید: "کانون اصلی تشیع در حال حاضر ایران است و آنها به همین دلیل، به دنبال مبارزه با جمهوری اسلامی هستند و در این مسیر، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌هایشان تغییر بافت جمعیتی و افزایش اهل سنت است". مکارم شیرازی بدون پرده‌پوشی و ملاحظه‌کاری سیاسی خاصی، علناً وجود اهل سنت را معضل و مشکل دانسته و صراحتاً می‌گوید به مسئولان هشدار داده است که اگر امروز برای این مشکلات چاره و تدبیری نیندیشند، شاید کار به جایی برسد که نتوان اقدامی کرد.

اگرچه در بیانات این‌گونه حکومتی و مطالب پیش از آن، به ظاهر نامی از ملیت‌های تحت ستم و هراس رژیم از روند افزایش جمعیت آنان برده نمی‌شود، اما اشارات مکرر به اهالی و سرزمین‌های بلوچستان، خراسان، ترکمن صحرا، کردستان و اهواز (یعنی همان مناطق ملیت‌های تحت ستم) به عنوان مناطقی که در آنها نسبت جمعیت اهل سنت رو به افزایش است، نشان می‌دهد که فاشیسم مذهبی و آپارتاید ملی و قومی از انگیزه‌ها و محرک‌های عمده‌ی

حاشیه‌ای و در میان پیروان مذاهب مختلف (و به تبع آن، ملیت‌ها نیز) مقایسه نمود. در همین رابطه، سایت شیعه آنلاین به نقل از "دکتر علوی" استاد دانشگاه مشهد آورده است: "نرخ رشد جمعیت در برخی مناطق سنی‌نشین ۷ درصد است، اما در مناطق شیعه نشین بین ۱ درصد تا ۱/۳ درصد است... روستایی را سراغ داریم که در گذشته ۶۵ درصد آن را شیعیان و ۳۵ درصد آن را سنی‌ها تشکیل می‌دادند، اما امروز، ۸۶ درصد آن را سنی‌ها تشکیل می‌دهند".

وی همچنین مهاجرت اهل سنت به شهرهای شیعه‌نشین همچون گرگان، رشت، مشهد، بیرجند، کرمان و ... را موجب تغییر بافت جمعیتی و تهدیدآمیز! عنوان نموده است.

این استاد دانشگاه همچنین به ذکر مثالی در مورد یکی از شهرک‌های مشهد پرداخته و می‌گوید: "دیرستان دخترانه‌ی این شهرک ۸۰ درصد شیعه و ۲۰ درصد سنی و مدرسه‌ی ابتدایی آن ۸۰ درصد سنی و ۲۰ درصد شیعه".



مولد و افزایش جمعیت هزینه‌بر (کهنسالان) اشاره نمود که لایه‌ی آشکار تبلیغات رژیم پیرامون ضرورت افزایش جمعیت را تشکیل می‌دهند.

اما لایه‌ی پنهان اهداف و انگیزه‌های آنان در واقع برخاسته از هراس رژیم نسبت به تغییر بافت جمعیتی به سود پیروان اقلیت‌های مذهبی و ملیت‌های تحت ستم است در این زمینه، سخنان زینب‌کیو برژینسکی، استراتژیست معروف آمریکایی جالب توجه است که می‌گوید: "از فکر کردن در مورد حمله‌ی پیشدستانه علیه ایران اجتناب کنید چرا که زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع حکومت ایران نیست".

این دیدگاه را اگر در کنار برخی اظهار نظرهای پراکنده‌ی چهره‌های مذهبی و سیاسی رژیم قرار دهیم، می‌توانیم به دلایل هراس سردمداران جمهوری اسلامی از تداوم روند کنونی رشد جمعیت و تفاوت‌های آنان در مرکز و حاشیه‌ی قدرت و ثروت پی ببریم.

شاید اولین باری که این جمعیت‌هراسی

جمعیت پیروان این مذهب) را عاملی مثبت و مایه‌ی قوام و دوام خویش می‌دانند و هر آن که را در این میان ساز مخالف بزند، محکوم به کاهش مولید و نتیجتاً انقراض نسل می‌دانند. از همین رو، به روشنی می‌توان عطش نسل‌کشی و دیگرستیزی را در لابلای سخنان و سیاست‌های جمعیتی آنان دید.

لذا با عنایت به موقعیت پایه‌ای مذهب و زبان رسمی در ایدئولوژی مذهبی - نژادی ارتجاع حاکم بر ایران که مخرج مشترک آنان با شونیست‌های ایرانی رانده شده از قدرت است، می‌توان دریافت که سیاست یکسان‌سازی جمعیت در ایران، پس از دهه‌ها تلاش و برنامه‌ریزی و انکار و سرکوب، به بن‌بست کامل رسیده و هویت‌ها و قرائت‌های متفاوت از قرائت رسمی حاکم، اینک تبدیل به چالشی جدی بر سر راه آن شده‌اند، به گونه‌ای که عالی‌ترین منابر و مناصب حکومتی نیز علناً از ضرورت اجرای سیاست‌های جمعیتی برای مقابله با آن سخن می‌گویند.

اسلام گرایان بعد از مشروطه در ایران



پرویز جباری

انقلاب مشروطه یا به عبارتی دیگر "جنبش مشروطیت در ایران" با تمام رنگ و لعاب ایرانی، شرقی و نیز تفاسیر مختلف دینی که از سوی متولیان دین بر اساس کم فهمی، دشمنی و مصلحت‌های شرعی بر آن آراسته شد، گام بلند ایرانیان برای رهایی بود. اما با این حال، جای انکار و نفی نبوده و نیست که بنیادهای فکری، معرفتی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن برگرفته از اندیشه‌ی مدرنیته و تحولات فکری و صنعتی قرن ۱۸ و ۱۹ اروپا بود، منتهی بر اساس میزان فهم مردم و برداشت ناقتلان و مجربان آن زمان، برای دگرگونی و برانداختن نظم کهن و ارتجایی در ایران اواخر قاجاریه، بسیاری از نتایج و پیامدهای آن همچون شکل‌گیری نهادهای حقوقی، سیاسی، آموزشی و مدنی برگرفته از تجربه و روند نوین تمدن غرب برای جامعه‌ی عصر خود بود. با این تفاوت اساسی، این نهادها و تحولات اجتماعی سیاسی، غرب را به مقصد خود رساند یا در مسیر و مدار صحیح به منزل رسیدن قرار داد، اما ایرانی‌ها را دچار سردرگمی، ناکامی، بحران و بی‌هویتی قرار داد. بحران و بی‌هویتی که در میان شکاف و گسسه‌های بزرگی چون سنت - مدرن، دولت - ملت و دین - دولت، اسیر و درگیر نمود. بسیاری از صاحبزنان و تحلیلگران مسائل ایران، دلایل و عوامل مختلفی را برای ناکامی و یا شکست مشروطیت بیان می‌کنند تا جایی که این عوامل، بسیاری از موضوعات ساختاری، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، داخلی و خارجی را دربر می‌گیرد. برای هر کدام از این دلایل، نقطه‌نظرات، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خود را نیز دارند که بی‌شک در بسیاری از موارد می‌توان واقعیت‌های ایران دوران مشروطه را از میان آنان بازشناسی کرد و ناکامی این حرکت عظیم و تاریخی برای رهایی و آزادی ایرانیان از "استبداد سیاسی و اسارت دینی" را بهتر درک کرد. دراصل و براساس مطالعه و بررسی جوانب مختلف، می‌توان موانعی را که باعث عدم موفقیت و پیشرفت مشروطه در همه‌ی جوانب شد به چالش کشید، نه مشروطه و اندیشه‌ی پیشرفت و تحول خواهی آن را.

زمانی که به پایگاه فکری، نقطه‌ی عزیمت، بنیادهای فکری، مطالبات و آرمان‌های جنبش مشروطه پرداخته می‌شود، به راحتی و بسیار روشن می‌توان از همین راه هم دشمنانش را بازشناخت و به دسیسه‌ها و انتقام‌گیری‌های آنان در طول تحولات اجتماعی سیاسی صد سال اخیر، در میان ملت‌های ایران پی برد. مشروطیت به دلیل اهمیتش، گستردگی و تأثیر ماندگار آن در حرکت‌های آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و فریادهای دموکراتیک در ایران، کماکان در جامعه و میان نیروهای سکولار، دموکراتیک و مترقی، زنده و پویا حضور دارد، چرا که در طی یکصد سال اخیر این نقطه‌ی شروع و آغاز حرکت ایرانیان، در مناطق و مقاطع تاریخی مختلف برای مشارکت در قدرت سیاسی و نقش‌پذیری در سرنوشت خود بوده است. مشروطیت در هر قالبی برای این مردمان، روبرویی برای تغییر و دگرگونی در مفاهیم اجتماعی، حوزه‌ی قدرت سیاسی، منظومه‌ی فکری و اعتقادی صاحبان قدرت به‌ویژه نظام سلطنتی، دربار، شاه، نهاد دینی، روحانیون و مقربین به دستگاه قدرت را به یاد می‌آورد، چرا که مردم در سرتاسر ایران که همواره "قدرت سیاسی با مشارکت دینی" بر آنان اعمال می‌گردید، به مثابه‌ی رعیت‌هایی بی‌اراده و مطیع بودند. آنان فاقد هر نوع حق و حقوقی بودند، چرا که اساساً، نه حتی

تعریف شده بود و نه متنی حقوقی ایجاد و در دست بود تا از راه آن، مردم هم صاحب حق شوند. در اصل هم یکی از خواسته‌های اولیه و اساسی مشروطیت هم، همان ایجاد "عدالت خانه" و "بسه زبانی دیگر ایجاد" قانون و جنبش قانون‌خواهی" بود. عصبان اجتماعی و سیاسی جامعه، به دنبال خود رهبری، حرکت و حضور روشنفکران در متن مطالبات مشروطه را به همراه داشت. مطالباتی که در همان آغاز در پی "الغای سلطنت" و "استقرار قانون" بر می‌آید و سریعاً تبدیل به خواست اساسی و عمومی جامعه و نیروهای پیشرو می‌شود.

بر این مینا، مشروطیت بسا گفتمانی نوین در عرصه‌ی سیاست، قانون، عدالت، برابری و سایر مفاهیم اساسی برگرفته شده از تمدن غرب، برای حقوق اجتماعی افراد در جامعه‌ی استبدادزده‌ی سیاسی و اسارت دیده‌ی دینی، طوفانی عظیم و ماندگار تا به امروز در جامعه‌ی ایران به پا می‌کند. بر اساس بسیاری از تحلیل‌ها، داده‌ها و واقعیت‌های ماندگار اجتماعی و سیاسی در ایران امروز، می‌توان آثار سکولار، شخصیت‌ها و فعالین عرصه‌ی سیاسی، فرهنگی و فکری به روشنی مشاهده کرد. هنوز نیز در ایران، مطالبات و خواست‌های تحقق نیافته‌ی مشروطیت، بعد از سال‌های متمادی از این تحول بزرگ، از سوی مردم و نیروهای سیاسی و پیشرو، از حاکمیت سیاسی که امروز به استبداد دینی آراسته شده است، مطالبه و درخواست می‌شود. در این گفتار به این موضوع اصلی و اساسی خواهیم پرداخت که چرا و چگونه اسلام‌گرایی و به نوعی گفتمان مشروطه که یک گفتمان ارتجایی و دینی مخالف آزادی و اساساً در تضاد با مشروطیت و آرمان‌های

و خواست نیروهای سیاسی، مترقی‌خواه و مردم برای آزادی و عدالت ایستاده بود. تمام خواست و تلاش مشروطه‌خواهان که ایجاد نظامی دموکراتیک، قانونمند، پیشرو در قانون و خواهان توسعه و عدالت بود، از سوی نیروها و عوامل پیدا و پنهان نهادهای استبداد و مخالف بیداری ایرانیان مورد تهاجم قرار گرفت. چه در هنگام حرکت‌ها و جنب و جوش‌های اولیه برای ایجاد انجمن‌های مختلف در راه مبارزه با استبداد، جهل و خرافات دینی و چه در زمانی که مشروطیت به پیروزی اولیه‌ی خود می‌رسد. در مقاطع مختلف تهدید،



تهاجم و دسیسه‌های مداوم برای مقابله با مشروطیت تداوم پیدا می‌کنند. نهادهای سنتی و صاحب قدرت سیاسی و دینی در برابر تغییرات، به صورت جدی مقاومت و ایستادگی می‌کنند. شرایط عقب ماندگی گسترده‌ی ایران در خصوص علوم جدید، سطح آموزش، سواد عمومی، جامعه‌ی سنتی، عقب ماندگی فکری و فرهنگی، در کنار دیگر شرایط ساختاری حاکم بر ایران آن روز، به دشمنان آزادی و عدالت این موقعیت را بخشیده بود تا در سنگر دین و سلطنت در برابر خواست مردم قرار بگیرند، اما با مقاومت بسیار تاریخی آزادی‌خواهان و دور از اذهان مستبدین و مرتجعین دینی، مردم در مناطقی دیگر در ایران و نیز حمایت و همراهی بسیاری از علمای دینی و نوگرایانی که رهایی مردم از استبداد را بر هرگونه انجماد فکری و

دینی ترجیح می‌دادند، مشروطه‌خواهان، پیروز نهایی میدان شدند. بخشی از روحانیونی که به حمایت از مشروطه برخاستند. شخصیت‌هایی بودند که در کسوت روحانیت بودند، ولی از نظر و دیدگاه فکری، سیاسی و اجتماعی در صف تجدد گرایان و غرب گرا بودند. افرادی چون سید اسداله خرقانی که از نزدیکان و حلقه فکری و موثر در بیت آخوند خراسانی بودند. شیخ ابراهیم زنجانی، سید حسن تقی زاده، ملک المتکلمین و غیره در کنار و همراه سایر روحانیون، روشنفکران، دیوان سالاران، تجار و بازرگانان نقش اساسی در پیشبرد برنامه‌های مشروطیت داشتند. مشروطیت به دنبال فتح تهران از سوی مشروطه‌خواهان و همراهی همین تیب از روحانیون نو اندیش، به پیروزی اساسی و اصلی خود دست می‌آورد. پیروزی که منجر به تبعید استبداد سلطنتی و بر سر دار رفتن ارتجاع دینی و تردد گفتمان مشروطه از سوی حامیان و پیروان مشروطه گردید. به دنبال پیروزی مشروطه‌خواهان بر استبداد و تبعید محمد علی شاه و حامیان دینی سلطنت، مشروطیت به نوعی در مسیر اصلی خود قرار می‌گیرد. این مسیر و جهت، تغییر و تحول در مفاهیم سیاسی و اجتماعی یا ایجاد قوانین برای اداره جامعه بر اساس اندیشه‌های نوین می‌باشد. هرچند که در این مقطع مشروطه‌خواهان، نیروهای دموکراتیک و سکولار در جامعه، مجلس، مطبوعات، دولت و سایر نهاد های بر آمده از مشروطه به تلاشی عظیم برای تغییرات دست زدند. با این حال به دلیل سال‌ها استیلا و حاکمیت استبداد و دین بر مردم، نتوانستند از استیلا و نفوذ دین و قوانین شریعت، رهایی کامل پیدا کنند. چرا که قانون اساسی می‌بایست مغایرت و تضاد با دین و شریعت دینی نداشته باشند. یعنی ما شاهد حاکمیت اندیشه‌ها و عقاید دینی شیخ فضل الله و شریعت گرایان در سیاست، بر مینا همان "اصل متمم قانون اساسی" هستیم که بر قانون مشروطه در ایران تحمیل گردید. متممی که همواره یک روزنه برای حضور، تنفس و در نهایت بازگشت قوانین دینی و ارتجاع به حوزه سیاست در ایران بوده است. به این صورت که بسیاری از عوامل در کنار هم باعث گردید تا قوانین دینی، وجود خود را بر اندیشه‌های مدرن و نوین جامعه که روشنفکران و آگاهان جامعه، آنان را نمایندگی می‌کردند تحمیل نمایند. یا به نوعی این روشنفکران و نوگرایان حوزه

سیاست و اجتماع بودند که به دلیل شرایط جامعه سنتی و دینی ایران به این مصالحه تن دادند. ماشا الله آجودانی در کتاب مشروطه ایرانی می‌گوید: «نویسندگان ما همچون میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله به نادرست بین آموزه‌ها و احکام دینی با دموکراسی غربی یک نوع همسانی فرض کردند. یعنی یک «این همانی» ایجاد کردند و به قول آجودانی دموکراسی غرب را به آموزه‌هایی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» تغییر دادند. (مشروطه شکست نخورد، ناتمام ماند، مصاحبه زهره آقایی با داریوش رحمانیان، تاریخ ایران). با تمام این اوضاع و پس از سال‌ها تلاش و روشنگری توسط انجمن‌های مخفی در آموزش‌های سیاسی و مطالبات مردم در برابر استبداد و استیلا ارتجاع دینی، که توسط روشنفکران و کنشگران اجتماعی صورت گرفته بود. پس از فتح تهران و همراهی گسترده نیروهای مخالف استبداد، خارج از مرکز در دیگر مناطق ایران باعث تقویت جبهه مشروطیت و آزادی خواهان گردید. همین تقویت جبهه باعث گردید، یک نوع همکاری برای پیگیری مطالبات و خواسته‌های مشروطیت صورت گیرد. به این معنی که یک اراده ملی و همگانی با تمام موانع و مشکلات برای به نتیجه رسیدن حرکت عظیم اجتماعی مردمان ایران صورت گیرد. در این پیکار تاریخی در قالب ایجاد احزاب، نشریه‌ها، ایجاد مدارس، آموزش‌های نوین، ایجاد مجلس، انتخابات، تدوین قوانین نوین برای برنامه‌های اجتماعی، سیاسی، پیشرفت جامعه، کشور و نیز تقویت همکاری سیاسی در چارچوب انجمن‌های ایالتی و ولایتی که نوعی مقاومت در برابر وابستگی کشور به قدرت‌های خارجی و عدم تمرکز بود. به مشارکت گسترده مردم مناطق ایران در قالب گروه‌های صنفی و سیاسی مختلف، منجر گردید. دقیقاً این همان نقطه قوت و ماندگاری مشروطه در برابر استبداد بود. نکته‌ای که بعدها، توسط استبداد ایرانی حلول کرده، در روح و جان رضا شاه و حلقه روشنفکران کج اندیش بر گرد ایشان، شناسایی و اقدام به نابودی آن گردید. این نیروی مرکز گرا با تمام تلاش برای کوبیدن مشروطه در ایران، درابتدا کوشید آن عنصر همکاری و اندیشه دموکراتیک برای سازندگی ایران که "مشارکت ملت‌ها برای مشروطیت و آزادی با هم و برای هم بود" را نابود نماید.

چهارمین کنگره اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران

در گفتگو با کیهان یوسفی، دبیر این اتحادیه

مصاحبه: هیوا میرزایی

چهارمین کنگره اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران با شعار "اتحاد گفتمانی جنبش دانشجویی کرد" طی روزهای چهارشنبه ۴ دی ماه تا جمعه ۶ دی ماه ۱۳۹۲ برگزار شد. در ارتباط با چگونگی برگزاری این کنگره، وضعیت جنبش دانشجویی کرد در حال حاضر و برنامه‌های آینده اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران برای سازماندهی دانشجویان کرد در کردستان ایران، روزنامه‌ی کردستان گفتگویی با کیهان یوسفی، دبیر این اتحادیه ترتیب داده است که توجه خوانندگان گرامی را به متن این گفتگو جلب می‌کنیم:

کردستان: کمی درباره‌ی چگونگی برگزاری کنگره‌ی اتحادیه دانشجویان برآیمان بگویید؟

ک. یوسفی: بر طبق برنامه و اساسنامه‌ی اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران، این سازمان باید هر دو سال یکبار کنگره‌ی خود را برگزار کند، برای این منظور نیز چند ماه قبل از برگزاری کنگره در کمیته‌های مختلف اتحادیه اقدامات و زمینه‌سازی‌های لازم برای برگزاری کنفرانس‌ها و امور مرتبط با کنگره انجام می‌شود. نمایندگان حاضر در کنگره در کنفرانس‌ها انتخاب می‌شوند و در کنگره به بررسی موضوعات تعیین شده که توسط هیأت اجرایی و بر اساس برنامه و اساسنامه آماده شده‌اند، می‌پردازند.



برای تحقق و برآورده ساختن هر چه بیشتر آرمان‌ها و اهداف اتحادیه دانشجویان داده شود. اتحادیه دانشجویان چه در گذشته و چه در حال، یکی از رسالت‌های خود را سازماندهی دانشجویان کرد می‌داند و بدون شک فلسفه‌ی تأسیس اتحادیه دانشجویان، سازماندهی فعالیت‌های دانشجویی در داخل کشور بوده است.

کردستان: برنامه‌ی آتی اتحادیه دانشجویان برای سازماندهی و کار تشکیلاتی در کردستان چگونه خواهد بود؟

ک. یوسفی: در حقیقت سخن گفتن از برنامه‌های یک سازمان که از سوی حکومت به رسمیت شناخته نمی‌شود و معتقد به حکومت کنونی نیست و راه حل رفع مشکلات را در سرنگونی این حکومت می‌داند، در رسانه‌ها و به صورت علنی از آن سخن گفتن، به ویژه در زمینه سازماندهی، معقول و منطقی نیست، ولی ما تلاشمان این است که بنا به فعالیت‌های خودمان و همچنین بنا به جوهر و طبیعت مسائل جنبش دانشجویی، فعالیت‌هایمان را در راستای آگاه‌سازی جامعه کردستان و گسترش فرهنگ و گفتمان ملی بیش از گذشته گسترش دهیم. روابطمان را با سازمان‌ها و فعالان دانشجویی ملیت‌های تحت ستم ایران که دارای دردی مشترک هستیم، توسعه دهیم، تلاش کنیم که همبستگی منسجمی با آنها تشکیل دهیم و با همدیگر گام‌هایمان را برای رسیدن به آرمانها و اهدافمان استوار کنیم.

ملی را به فعالان داخل کشور بدهد که این نیز مؤید این حقیقت است که رمز موفقیت ما در اتحاد و همصدایی است.

کردستان: وضعیت دانشجویان کرد در ایران را چگونه می‌بینید؟

ک. یوسفی: دانشجویان کرد نیز همچون دانشجویان دیگر ملیت‌های ایران تحت فشار و سرکوب سیستم حاکم هستند و بدون شک وضعیت و شرایط آنها هم از لحاظ آموزشی و تحصیلی و هم از لحاظ فعالیت‌های دانشجویی و حقوقشان مطلوب نیست. آمدن روحانی با تبلیغاتی پیرامون گشایش فضای سیاسی و به ویژه دانشگاه و فعالیت دانشجویی همراه بود، ولی واقعیت این است که گشایش فضای سیاسی و جامعه در چهارچوب سیستم جمهوری اسلامی امری

کردستان: با توجه به شرایط جنبش دانشجویی در داخل کشور، به نظر شما برگزاری کنگره می‌تواند حامل چه پیامی باشد؟

ک. یوسفی: پیام نخست کنگره بدون شک باورمندی به دمکراسی است، زیرا انتخابات و برگزاری کنگره برای هر سازمانی حاکی از باورمندی به دمکراسی و دمکراتیک بودن آن سازمان است. بر این اساس، برگزاری کنگره می‌تواند حاوی پیام دموکراسیخواهی برای دانشجویان داخل کشور که تحت سرکوب دیکتاتوری حاکم بر ایران هستند، باشد و همچنین با در نظر گرفتن شعار کنگره یعنی "اتحاد گفتمانی جنبش دانشجویی کردی" پیام مبارزه‌ی مشترک حول یک گفتمان واحد و

دروازه‌ی رژیم ایران بر همان پاشنه‌ی قدیمی می‌چرخد



عادل مرادی

ایران، بوستانی عطرآگین از اقلیم‌ها، زبان‌ها، ادیان و مذاهب گوناگون است» و در بند چهارم هم آمده بود: «تدریس زبان مادری ایرانیان (کردی، آذری، عربی و...) بطور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه‌ها در اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی». همچنین مشارکت عمومی فارغ از زبان و مذهب در مدیریت‌های کلان کشور و اجرای اصل شایسته‌سالاری در همه سطوح سیاسی اداری، به گونه‌ای که تمامی شهروندان و هم‌میهنان در شرایط یکسان امکان مشارکت و تصدی در تمامی سطوح تا عضویت کابینه را داشته باشند و رقابت در به عهده‌گیری مناصب، براساس شایستگی‌ها باشد و هیچ کس به دلیل قومیت (ملیت) یا مذهب از فرصتی محروم نشود، از جمله وعده‌های جذاب روحانی به مردم بود. اما عملاً مشاهده نمودیم که روحانی در تشکیل کابینه، به وعده‌ی خود عمل ننموده و خبری از حضور افرادی از ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های مختلف در آن نیست و برای توجیه این موضوع به ناچار یکبار دیگر، عوامفریبی را پیشه‌ی خود ساخته و عنوان کرده‌اند که کابینه، فقط هیأت وزیران نیست و با این وجود نیز هنوز از افرادی از ملیت‌های تحت ستم در معاونت‌ها و یا مناصب دیگر هم استفاده نشده است.

در همین راستا، علی یونسی گفته است که عدم توفیق در انتصاب اقلیت‌های قومی و مذهبی به برخی سمت‌های بالای حکومتی به معنای این نیست که دولت قصد انجام چنین کاری را در آینده ندارد. لذا با در نظر گرفتن عملکرد دولت روحانی در طی مدت سپری شده از زمان زمامداریش می‌توان این گفته‌ی

روزه‌ی عملکرد دولت نیز به آنها اشاره‌ای نداشت.

همچنین بر اساس قانون اساسی این رژیم، مردم ساکن در کشور ایران انسان‌هایی فاقد قدرت تشخیص محسوب می‌شوند که یک ولی فقیه آنها را قیمومیت می‌کند. با این پیش شرط هیچگاه حقوق شهروندی در چهارچوب این رژیم نمی‌تواند معنا و مفهومی داشته باشد و تنها دغل و فریبی بیش نیست. اکنون حسن روحانی زیر فشار مردم تلاش می‌کند تا با استفاده‌ی ابزاری از حقوق شهروندی، آن را در زوررقی از جملات جذاب، گنگ و عوامفریب پوشانده تا برای مدتی مردم را با آن سرگرم و فریب دهد.

در نتیجه با توجه به ماهیت بغایت مذهبی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی، تاریخچه‌ی

یونسی را مصداق بارز «وعده‌ی سر خرمن» آنها به مردم و به سخره گرفتن خرد اجتماع دانست.

بر خلاف وعده و وعیدهای انتخاباتی حسن روحانی، در میان ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی، حتی آن بخش از مدیران ولایتمدار و ذوب شده در ولایت نیز که وفاداری خود به نظام جمهوری اسلامی را در طی ۳۵ سال اخیر ثابت نموده‌اند، از کاروان انتصابات و انتخابات دولتی محروم ماندند.

پرواضح است که این امر، خلف وعده‌ی آشکار روحانی با مواد تصریح شده در بیانیه شماره ۳ انتخاباتی وی (حقوق اقوام، ادیان و مذاهب) می‌باشد، به گونه‌ای که هیچکدام از بندهای ده‌گانه‌ی بیانیه‌ی وی در یکصد روز اول عملی نشدند و حتی در گزارش صد

دولت ایران همواره ناقض حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های مذهبی و ملیت‌ها در این کشور بوده است. این درحالیست که ملیت‌های ایرانی، زیربنای هویت ایرانی و بنیاد و اساس شکل‌بخشی به فرهنگ ایرانی هستند. وجود ملیت‌ها و اقوام مختلف در هر کشوری به مثابه‌ی یک فرصت است. لذا این فرصت‌ها باید شناخته شده و مطالبات به حقشان پاسخ داده شوند و امکانات، منابع و ثروت‌ها به طور یکسان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی میان ملیت‌های مختلف تقسیم شوند.

پرداختن به موضوع اقوام (ملیت‌ها) و اقلیت‌های دینی از جمله وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی بود و مقرر بود که بعد از رسیدن به ریاست جمهوری، برای رسیدگی به مسائل و مشکلات ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های مختلف ایران و تحقق حقوق آنها، "معاونت امور اقوام و اقلیت‌ها" را تأسیس نماید، اما این پست، از معاونت رئیس‌جمهور به دستیار ویژه‌ی وی تنزل یافته و پستی با عنوان "دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌ها" ایجاد گردید و این مسئولیت به علی یونسی که عقیده‌ی امنیتی و اطلاعاتی دارد، سپرده شد.

روحانی در گرم‌گرم مبارزات انتخاباتی همواره بر تحقق مطالبات ملیت‌های فرودست تأکید نموده و در بیانیه‌ی شماره‌ی ۳ خود که بطور ویژه درباره‌ی اقوام (ملیت‌ها) و اقلیت‌های مذهبی نوشته شده بود، طی ۱۰ بند برنامه‌های خود را در این باره اعلام کرده بود. بیانیه‌ی شماره‌ی ۳ با این جمله‌های جذاب و عوامفریب آغاز شده بود: «کشور عزیز ما،

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

همه‌ی وعده‌های رئیس‌جمهور (ماده‌ی پنجم)

بیانیه‌ی ۱۰ ماده‌ای حسن روحانی سرو صدای زیادی میان کسانی که مبلغ سیاست‌های روحانی بودند به پا کرد و متأسفانه بعضی‌ها بر این باور بودند که این بیانیه‌ی ۱۰ ماده‌ای که به منشور سوم روحانی معروف است، می‌تواند آن‌ها را به بخشی از مطالبات و خواست‌های خود از نظام حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و شخص حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور این نظام برساند. چون در متن این منشور آمده بود که این انتخابات فرصتی تاریخی است برای تحقق بخشی از مطالبات ملیت‌های ایران. در شماره‌های گذشته از ۴ ماده‌ی بیانیه‌ی مذکور حرف به میان آوردیم و در این شماره پیرامون پنجمین ماده‌ی این منشور به بحث خواهیم پرداخت. ماده‌ی پنجم: "تقویت فرهنگ و ادبیات اقوام ایرانی و پیشگیری از زوال آنان به‌منظور حفظ و نگهداشت این میراث کهن ایرانی." سوای محتوای این ماده که وظیفه‌ی اساسی هر نظام و حکومتی است، مسئله‌ی جالب توجه که در این ماده بیش از هر چیز دیگری خودنمایی می‌کند، واژه‌ی "میراث" است. یعنی همه‌ی ملیت‌های ایران ملک بی‌چون و چرای حاکمان است و آن ملیت‌ها صاحب و مالک فرهنگ و آداب و رسوم خود نیستند. بلکه این نظام حاکم بر ایران است که مالکیت این ملیت‌ها را بر عهده دارد و این ملیت‌ها به درازای تاریخ ضمیمه‌ی فرهنگ حاکمان ایران بوده‌اند و در حاشیه زیسته‌اند. در اینکه این ملیت‌ها یعنی (کرد، ترک، بلوچ، عرب و ترکمن) همیشه همچون افرادی بیگانه و خارج از نظام بوده‌اند شکی نیست. اما به سبب اینکه هر یک از این ملیت‌ها صاحب هویت مستقل خویش بوده‌اند، هیچ‌گاه نمی‌توانند به‌عنوان میراث برای ملیت دیگری به جا بمانند و مالکی جز خود ندارند که بیش از آن‌ها در اندیشه‌ی تقویت و گسترش فرهنگ و آداب و رسوم‌شان باشد. اما به هر شکل تا به امروز هم در عمل بدین منظور، یعنی تقویت فرهنگ و ادبیات ملیت‌های ایران هیچ اقدامی صورت نگرفته، بلکه به‌عکس در برخی نقاط مثل کردستان، نوعی عقب‌نشینی محسوس هم مشاهده می‌شود. چراکه نه تنها هیچ اقدامی در جهت نیل به این وعده و تأسیس مراکز و نهادهای فرهنگی و ادبی صورت نگرفته بلکه گاهی این مراکز تعطیل شده‌اند. برای اثبات این مدعی می‌توانیم به تعطیلی "انستیتیوی احمد خانی" در ارومیه و باطل کردن مجوز فعالیت گروه‌های هنری و همچنین بازداشت و زندانی کردن نویسندگان، روزنامه‌نگاران، سینماگران و هنرمندان کرد در نقاط مختلف کردستان اشاره نمود.

ویروس، بیش از ۱۰۰۰ دلفین را از بین برد



بر اساس گزارش رسانه‌های ارتباط جمعی آمریکا، در مدت اخیر افزون بر ۱۰۰۰ ماهی از نوع دلفین بر اثر یک نوع ویروس از بین رفته‌اند. در این رابطه، "ایرین نوگریس" متخصص در این زمینه گفت: "این ویروس تأثیر بسیار زیادی داشته و ما به دقت در این باره تحقیق می‌کنیم." وی همچنین اظهار داشت: "هیچ نشانه‌ای در رابطه با از بین رفتن ویروس وجود ندارد، بلکه روزانه دلفین‌های بیشتری را از بین می‌برد." بر اساس آمار گروه زیستگاه آبی ملی در آمریکا، قریب به ۳۹ هزار دلفین در سواحل شرقی فلوریدا وجود دارند و در سال ۱۹۸۷-۱۹۸۸ نزدیک به ۷۴۰ دلفین بر اثر این ویروس از بین رفته‌اند، اما تاکنون مشخص نشده است که دلیل شیوع مجدد این ویروس چیست.

روغن ماهی، میزان فعالیت مغز را افزایش می‌دهد

زیتون، ماهی و سبزیجات باعث افزایش فعالیت و توانایی مغز می‌شوند. محققین می‌گویند این مواد خوراکی علاوه بر فوایدی که در سلامتی افراد دارند، چندین فایده‌ی دیگر نیز از جمله افزایش توانایی تفکر مغز و شیوه‌ی یادآوری برای مغز دارند و از همه مهمتر اینکه، این مواد خوراکی، آن بخش از مغز را که به دلیل پرخوری و تبلی جسمی، تبلی شده است را دوباره فعال می‌کنند.

روزنامه‌ی "دیلی میل" انگلیس گزارش داد که دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که انرژی مناسب و مطلوب از خوراک مفید و سودمند تأمین می‌شود و پیام‌هایی که مغز ذخیره می‌کند، به پروتئین‌هایی که فرد مصرف می‌کند، وابسته است.



چند راهکار ساده برای درمان سردرد

احساس آرامش می‌کند، لذا افرادی که دچار سردرد می‌شوند، می‌توانند بوی نعنا را استشمام کنند.

۳- پیاده‌روی و قدم‌زدن، یکی از عواملی است که باعث رقیق شدن و گردش منظم خون در رگها خون می‌شود، به همین دلیل می‌بایستی روزانه چند دقیقه‌ای پیاده‌روی نماییم و بسیاری اوقات به هنگام سردرد، پیاده‌روی می‌تواند برای تسکین آن بسیار مفید باشد.

۴- به هنگام سردرد با انگشت میان ابروهایتان را ماساژ دهید. به عبارت دیگر، میان ابروها تا پیشانی خود را با انگشت ماساژ دهید، این کار را چند بار تکرار نمایید که می‌تواند بسیار مفید باشد. در صورتی که سردردتان بدین شیوه تسکین نیافت، به پزشک مراجعه نمایید.

سردرد، یکی از دردهای شدیدی است که فرد دچار آن می‌شود و در میان درد اعضای دیگر بدن، به عنوان سومین درد شناخته شده است.

اکنون اکثر مردم در سراسر جهان از ابتلا به آن می‌نالند. برای درمان آن می‌توان از روش زیر استفاده کرد:

۱- روزانه، یک یا دو بار نفس عمیق بکشید.

۲- بسیاری بر این باورند که به دلیل استشمام یک بوی تند به سردرد مبتلا می‌شوند، به همین دلیل بهتر است که از استشمام بوهای تند پرهیز نمایند.

بوی نعنا یکی از بوهایی است که بسیار سودمند است و پس از استشمام بوی آن، فرد

